

<div> <div> <div>الف</div> <div>بسمه تعالی</div> <div>مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه</div> <div>امتحانات نیم‌سال دوم – سال تحصیلی ۹۶-۹۵</div> </div> <div> <div>معاونت آموزش</div> <div>اداره امتحانات</div> </div> </div>			
موضوع:	اصول ۱ بخش ۲	پایه:	۸
تاریخ:	۹۶/۰۳/۰۲	ساعت:	۱۶

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: فرائد الاصول، از المقام الثانی فی الشبهة غیر المصنوعة تا اول بحث استصحاب - ۲۵۷ تا آخر ۲

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریفی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریفی ۲ نمره)

تستی

۱. إذا دار الأمر فی الواجب بین المتباینین فالأقوی **أ** **۲۸۰**

أ. وجوب الموافقة القطعیة لعدم كون الجهل التفصیلی مانعاً عقلاً **■** ب. عدم وجوب الموافقة القطعیة لكون الجهل التفصیلی مانعاً عقلاً ☐

ج. كفاية الموافقة الاحتمالیة لانحصار الحرمة فی المخالفة القطعیة ☐ د. عدم وجوب الموافقة القطعیة لكون الجهل التفصیلی مانعاً شرعاً ☐

۲. الامتثال الإجمالی بالجمع بین المشتبهین - بناءً علی وجوب اقتران المأمور به بوجه الأمر - **ج** **۳۱۰**

أ. جائز مطلقاً ☐ ب. غير جائز مطلقاً ☐ ج. جائز إذا كان عاجزاً من الامتثال التفصیلی **■** د. غير جائز إذا لم يكن موجباً للتكرار ☐

۳. به نظر مصنف، در اقل و اكثر ارتباطی چه نسبتی بین اخبار برائت و احتیاط عقلی وجود دارد؟ **ج** **۳۳۰**

أ. أوّلی مخصص دومی است ☐ ب. دومی مخصص أوّلی است ☐ ج. أوّلی حاکم بر دومی است **■** د. دومی حاکم بر أوّلی است ☐

۴. إذا أمر بمفهوم مبین مردّد مصداقه بین الأقلّ و الأكثر مثل ما إذا أمر بالظهور لأجل الصلاة فشكّ فی جزئیة شیء للوضوء فاللازم **أ** **۳۵۱**

أ. الاحتیاط لتجنّز التكلیف بمفهوم مبین معلوم تفصیلاً **■** ب. البراءة عن الجزئیة لقیح العقاب بلا بیان ☐

ج. البراءة عن الجزئیة لأدلة البراءة الشرعیة ☐ د. استصحاب عدم الجزئیة لوجود المقتضى و عدم المانع ☐

تشریحی

* الظاهر أنّ الضابط فی غیر المحصور هو ما بلغ كثرة الوقائع المحتملة للتحريم إلى حيث لا يعتنى العقلاء بالعلم الإجمالی الحاصل فیها، و لیعلم أنّ العبرة فی المحتملات كثرة و قلّة بالوقائع التي تقع مورداً للحكم بوجوب الاجتناب مع العلم التفصیلی بالحرام فإذا علم بحیة أرض محرّمة أو نجسة فی ألف حیة و المفروض أنّ تناول ألف حیة من الأرز فی العادة بعشر لقمات فالحرام مردّد بین عشرة محتملات لا ألف محتمل. **۲۷۲**

۱. أ. ضابط شبهة غیر محصوره را توضیح دهید. ب. ربط عبارت «و لیعلم أنّ العبرة...» به قبل را توضیح دهید.

أ. اطراف شبهه به قدری زیاد باشد که عقلاء به احتمال ضرر و عقاب محتمل اعتنا نکنند.

ب. در مقام توضیح ملاک کثرت وقایع است مثلاً اگر بدانیم یک برنج از هزار برنج نجس است اگر نسبت یک به هزار را لحاظ کنیم شبهه، غیر محصور است، منتهی یک دانه برنج مورد حکم نیست؛ چون برنج دانه دانه خورده نمی‌شود تا هر برنجی یک طرف مستقل شبهه حساب شود بلکه مورد حکم، لقمه است که مرکب از ۱۰۰ برنج است بر این اساس اطراف شبهه، ۱۰ تا خواهد بود و همین ملاک است.

* إذا اشتبه الواجب فی الشریعة بغير الحرام من جهة إجمال النصّ بأن یتعلّق التكلیف الوجوبیّ بأمر مجمل كقوله: «إیتنی بعین» و قوله تعالی: ﴿حَافِظُوا عَلَی الصَّلَواتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى...﴾ بناءً علی ترذّد الصلاة الوسطی بین صلاة الجمعة كما فی بعض الروایات و غيرها كما فی بعض آخر فالمختار وجوب الاحتیاط.

۲. أ. دو مثال مذکور به چه بحثی مربوط است؟ ب. عبارت «بناءً علی...» قید چیست؟ توضیح دهید. **۲۹۵**

أ. مربوط به دوران امر بین متباینین در شبهة حکمیه در صورتی که منشأ شبهه، اجمال نص باشد.

ب. یعنی مثال دوم وقتی از باب اجمال نص می‌شود که «الصَّلَاةِ الْوُسْطَى» مردد بین نماز جمعه و غیر آن باشد.

* أوامر المولی الصادرة بقصد الإطاعة فنلتزم فیها بقیح المؤاخذه إذا عجز العبد عن تحصیل العلم بجزء فاطّلع علیه المولی و قدر علی رفع جهله. نعم، قد یأمر المولی بمرکّب یعلم أنّ المقصود منه تحصیل عنوان یشکّ فی حصوله إذا اتی بذلك المركّب بدون ذلك الجزء المشکوک كما إذا أمر بمعجون و علم أنّ المقصود منه إسهال الصفراء بحيث كان هو المأمور به فی الحقيقة. **۳۱۹**

۳. دو فرض مذکور و حکم هر یک را توضیح دهید.

۱. اگر اوامر مولی به قصد اطاعت صادر شود یعنی متعلق امر تعبدی باشد و جزئی از این متعلق بر عبد معلوم نباشد و مولی بر این امر آگاه باشد و قدرت بر رفع جهل مکلف داشته باشد و با این حال، رفع جهل نکند مؤاخذه این عبد بر عدم امتثال، قبیح است.
۲. البته اگر شک در محصل باشد - یعنی امر به مرکبی شود و مکلف بداند مراد، تحصیل عنوانی است منتهی نداند این عنوان، بدون اتیان فلان جزء حاصل می شود یا نه - احتیاط بر مکلف واجب است.

* إن وجوب الاحتياط في المجلد المراد بين الأقل والأكثر ممنوع؛ لأن المتيقن من مدلول هذا الخطاب وجوب الأقل بالوجوب المراد بين النفسى والمقدّمى فلا محيص عن الإتيان به؛ لأن تركه مستلزم للعقاب، وأما وجوب الأكثر فلم يعلم من هذا الخطاب فيبقى مشكوكاً. ۳۴۰

۴. دلیل عدم وجوب احتیاط در اقل و اکثر ارتباطی را توضیح دهید.

قدر متیقن از مدلول خطاب مجمل، وجوب اقل است که باید انجام شود و ترکش مستلزم عقاب است ولی وجوب اکثر (به دلیل اجمال دلیل) از این دلیل استفاده نمی شود (علم اجمالی، به علم تفصیلی به وجوب اقل و شک بدوی نسبت به اکثر منحل می شود، بنابراین اکثر، مجرای براءت خواهد بود).

* لو دار الأمر بين التخيير والتعيين، كما لو دار الواجب في كفارة رمضان بين خصوص العتق للقادر عليه و بين إحدى الخصال الثلاث فإن في إلحاق ذلك بالأقل والأكثر فيكون نظير دوران الأمر بين المطلق والمقيد أو المتباينين قولين، من عدم جريان أدلة البراءة في المعين؛ لأنه معارضٌ بجريانها في الواحد المخير و ليس بينهما قدرٌ مشترك خارجيٌّ أو ذهنيٌّ يعلم تفصيلاً وجوبه فيشكل في جزءٍ زائدٍ خارجيٍّ أو ذهنيٍّ. ۳۵۷-۸

۵. ربط عبارت «من عدم جريان...» با قبل را توضیح دهید.

دلیل بر اینکه از قبیل متباينين است؛ چون اصل براءت از وجوب تعيينی عتق با اصل براءت از وجوب تخييری صوم مثلاً معارض است و از طرفی بين این دو، قدر مشترکی (که معلوم الوجوب باشد) وجود ندارد تا در زاید از آن، اصل براءت جاری شود (یعنی علم اجمالی منحل نمی شود)؛ پس باید احتیاط شود.

* إن الأصل الأوّل فيما يثبت جزئيته: الركبة إن فسّر الركن بما يبطل الصلاة بنقصه، وإن عطف على النقص، الزيادة عمداً و سهواً فالأصل يقتضي التفصيل بين النقص و الزيادة عمداً و سهواً لكن التفصيل بينهما غير موجود في الصلاة؛ إذ كلّ ما يبطل الصلاة بالإخلال به سهواً يبطل بزيادته عمداً و سهواً.

۶. تفصیل و ایراد بر آن را توضیح دهید. ۳۸۵

تفصیل: اگر مراد از رکن، چیزی باشد که نقصان و زیاده سهوی و عمدیش مبطل صلات است باید بین نقصان و زیاده عمدی و سهوی تفصیل داد به اینکه نقصان را مبطل و زیاده را غیر مبطل قرار داد. اشکال: در باب صلات، این تفصیل وجود ندارد؛ چون هرچه که در صلات، نقص سهوی آن موجب بطلان است زیاده سهوی و عمدی آن نیز مبطل است.

* لو دخل في العبادة بنية الجزم ثم اتفق له ما يوجب تردده في الصحة و وجوب الإتمام و في البطلان و وجوب الاستئناف ففي جواز الإتمام بانياً على الفحص بعد الفراغ و الإعادة مع المخالفة و عدمه وجهان من اشتراط العلم بالصحة حين العمل كما ذكرنا و لذا لم يجوز هذا من أوّل الأمر و من أن المضي على العمل متردداً بانياً على استكشاف حاله بعد الفراغ محافظةً على عدم إبطال العمل ليس بأدون من الإطاعة التفصيلية و لا ياباه العرف و لا سيرة المتشرعة. ۴۱۰

۷. دو عبارت «من اشتراط العلم...» و «من أن المضي...» دلیل بر چیست؟ توضیح دهید.

من اشتراط: دلیل وجوب استیناف است؛ چون علم به صحت عمل در حین عمل، معتبر می باشد. من أن المضي: دلیل جواز اتمام است؛ چون ادامه عمل به این نیت که بعد از عمل تحقیق کرده و امر را روشن کند و بدون دلیل، عمل را باطل نکند کمتر از اطاعت تفصیلی و علم به صحت در حین عمل نیست و چنین شیوه ای مخالف عرف و سیره متشرعه نیز نیست.

✱ إذا وقع الجاهل عبادةً عمل فيها بما يقتضيه البراءة و غفل عن عدم تحقق نيّة القربة و عمل باعتقاد التقرب فالأقوى صحته إذا انكشف مطابقته للواقع إذ لا يعتبر في العبادة إلّا إتيان المأمور به على قصد التقرب و المفروض حصوله و العلم بمطابقته للواقع أو الظنّ بها من طريق معتبر شرعيّ غير معتبر في صحّة العبادة لعدم الدليل فإن أدلّة وجوب رجوع المجتهد إلى الأدلّة و رجوع المقلّد إلى المجتهد إنّما هي لبيان الطرق الشرعيّة التي لا يقدح مع موافقتها مخالفة الواقع لا لبيان اشتراط كون الواقع مأخوذاً من هذه الطرق. ٣٠-٤٢٩

٨. أ. عبارت «إذ لا يعتبر...» تعليل برای چیست؟ توضیح دهید. ب. ربط عبارت «فإن أدلّة وجوب رجوع...» به قبل را بیان کنید.

أ. تعليل برای صحت در فرض انكشاف مطابقت با واقع است؛ چون آنچه که در عبادت معتبر است قصد قربت است که بنابر فرض بوده است. ب. جواب از اشکال مقدر است. اشکال: باید از طریق معتبر شرعی، علم به مطابقت مأتی به با واقع داشته باشیم و دلیلش ادله وجوب رجوع مجتهد به ادله و رجوع مقلد به مجتهد است که هم برای مجتهد راه معین شده و هم برای مقلد. پاسخ: این ادله در مقام بیان لابدیت اخذ واقع از این طرق نیست، بلکه می گوید: اگر موافقت با این طرق، موجب مخالفت با واقع شد مؤاخذه ای متوجه عامل نمی شود.

✱ اشترط الفاضل التوني في جريان البراءة بأن لا يتضرر بإعمالها مسلم، و يردّ عليه: أنّه إن كانت قاعدة نفى الضرر معتبرة في مورد الأصل كانت دليلاً كسائر الأدلّة الاجتهاديّة الحاكمة على البراءة، و إلّا فلا معنى للتوقّف في الواقعة و ترك العمل بالبراءة. ٦-٤٥٥

٩. أ. شرط مذکور را با مثال توضیح دهید. ب. اشکال مصنف بر آن را بنویسید.

أ. مثلاً اگر قفس دیگری را باز کند و باعث فرار پرندۀ او شود، اصل براءت از ضمان جاری نمی شود؛ چون موجب ضرر به صاحب حیوان است. ب. اگر در مورد اصل براءت، قاعدة ضرر وجود داشته باشد حاکم بر آن خواهد بود و اصل، جاری نمی شود وگرنه بدون اشکال باید اصل براءت جاری شود.